



تحصیل تابستانی؛ تخلف آموزشی

جامعه گاهی از این ور پشت‌بام می‌افتیم و گاهی از آن ورش. گاهی برای تعطیل کردن زود هنگام مدارس سر از پا نمی‌شناسیم و گاهی برای بازگشایی زودتر از موعدش. نزدیکی‌های خرداد تقریباً همه می‌خواهند پرونده سال تحصیلی را زودتر ببندند و به تعطیلات بروند، در تعطیلات تابستان هم عده‌ای تاب نمی‌آورند و پرونده سال تحصیلی نرسیده را باز می‌کنند؛ این حکایت افراط و تفریط است، یک جور چند دستگی در اداره مدارس و مدلی از چندپارگی در سیستم آموزشی ما.

جامعه گاهی از این ور پشت‌بام می‌افتیم و گاهی از آن ورش. گاهی برای تعطیل کردن زود هنگام مدارس سر از پا نمی‌شناسیم و گاهی برای بازگشایی زودتر از موعدش. نزدیکی‌های خرداد تقریباً همه می‌خواهند پرونده سال تحصیلی را زودتر ببندند و به تعطیلات بروند، در تعطیلات تابستان هم عده‌ای تاب نمی‌آورند و پرونده سال تحصیلی نرسیده را باز می‌کنند؛ این حکایت افراط و تفریط است، یک جور چند دستگی در اداره مدارس و مدلی از چندپارگی در سیستم آموزشی ما.

ماه رمضان که تمام شد کم کم کرکره برخی مدارس بالا رفت. پیگیر که شدیم به غیردولتی‌ها و بعضی از مدارس خاص رسیدیم.

توجیه اینها استفاده از روزهای تابستان است و بازگرداندن دانش آموزان به مدرسه، بعد هم نشاندهنده در کلاس‌های مختلف، از جمله کلاس‌های درس. بعضی از خانواده‌ها از این وضع راضی‌اند، برخی اما نه، بعضی هم به برنامه مدرسه گردن نهاده‌اند بی این که موضع مشخصی داشته باشند.

برخی اما به این که مدرسه‌هایشان چند ماه زودتر بازگشایی شده و کلاس درس برپا کرده مباحثات می‌کنند، به این امید که مدرسه‌ای با کیفیت را انتخاب کرده‌اند که بعد از تحمل کمی سختی، شیرینی موفقیت به کام‌هایشان خواهد ریخت.

دانش آموزان روایت می‌کنند

هر روز صبح ساعت 7:30 تا 14:30 بعدازظهر، یکی از دانش آموزان مدرسه‌ای خاص در تهران به مدرسه می‌رود تا در کلاس‌های فوق برنامه‌ای که مدرسه تدارک دیده شرکت کند. او در گفت‌وگو با ما از این تحصیل تابستانی ناراضی نیست، ولی نگران تکرار تجربه تابستان گذشته است که نکاتی در کلاس‌ها تدریس شد که قرار بود برای سال تحصیلی آینده به کار دانش آموزان بیاید، اما نیامد؛ او می‌گوید تابستان پارسال وقت‌مان تلف شد.

مدرسه این دانش آموز یکی از ده‌ها مدرسه‌ای است که دانش آموزان را تابستان‌ها به اجبار به مدرسه می‌آورند تا از یک سو، درس‌های سال گذشته را تکرار کنند و از سوی دیگر مروری بر درس‌های سال آینده داشته باشند تا از مهر تا خرداد، چیزی را بخوانند که فشرده‌اش را در تابستان خوانده‌اند.

دختری 11 ساله که دانش آموز یکی از مدارس غیردولتی تهران است نیز گرفتار همین سیکل شده، حتی زمانی که نوآموز دوره پیش دبستانی بوده است. او حالا هفته‌ای سه روز به مدرسه می‌رود و در حالی که مادرش می‌گوید رغبتی به درس خواندن در تابستان ندارد، اما به اجبار در کلاس‌ها حاضر می‌شود و ریاضی و علوم می‌خواند تا خواسته مدیر مدرسه برای یکدست شدن دانش‌آموزان برای سال آینده برآورده شود.

این روایت‌ها حاکی از تحصیل اجباری تابستانه است که اگرچه بخش زیادی از خانواده‌ها به گمان تقویت بنیه علمی‌شان به آن روی خوش نشان می‌دهند، اما خواسته قلبی همه دانش‌آموزان نیست. حتی پیگیری‌های ما نشان داد که به این وادی چاشنی‌ای از تخلف نیز زده شده که اصلش را زیر سوال می‌برد.

تخلف است

پاسخ کاملاً صریح و شفاف بود، وقتی اتفاقات این روزهای برخی مدارس را در گفت‌وگو با سخنگوی آموزش و پرورش شهر تهران بازگو کردیم. مسعود ثقفی‌نامش را گذاشت تخلف اگر مدارس به اجبار، دانش‌آموزان را در کلاس‌های تابستانی ثبت نام کنند یا این که پا را فراتر بگذارند و درس‌های سال تحصیلی آینده را به آنها تدریس کنند، یعنی دو کاری که مدارس مورد نظر ما انجامش می‌دهند.

ثقفی می گوید مدارس آزادند برنامه های فوق برنامه آموزشی یا پرورشی برای تابستان داشته باشند، ولی به شرط دادن حق انتخاب به خانواده ها و به این شرط که برنامه های مصوب درسی را زودتر از موعد تدریس نکنند.

به گفته ثقفی، بخشنامه ای که این موضوع را برای مدیران شفاف سازی کرده نیز چندی پیش به مدارس ابلاغ شده، ولی شواهد نشان می دهد میل برخی خانواده ها برای تحصیل فرزندانشان در شرایطی خاص سیری ناپذیر است و برخی مدارس نیز به این خواسته پاسخ مثبت می دهند و تابستان مدرسه را طبق میل خویش می گردانند.

برقراری مدارس در تابستان به شرط ایجاد انگیزه

یک بار دیگر واژه تخلف شنیده شد وقتی ما با مجتبی زینی وند، مدیرکل مدارس غیردولتی آموزش و پرورش تماس گرفتیم. او نیز پرداختن به درس های سال آینده در تابستان را کاری خلاف دانست و فقط دایر کردن دوره های فوق برنامه آن هم به شرط اختیاری بودن و نیز تکرار دروس سال گذشته با هدف تقویت بنیه علمی دانش آموزان را (آن هم به شرط اختیاری بودن) مجاز اعلام کرد. او علت این سیاستگذاری را ایجاد انگیزه در دانش آموزان می داند تا اگر در درسی ضعف دارند و می توانند از فرصت تابستان برای تقویت خود استفاده کنند، انگیزه بگیرند و با شور و اشتیاق به مدرسه بیایند نه این که گرفتار اکراه شوند.

البته زینی وند می خواهد خیال مردم از بابت برخورد با متخلفان راحت باشد، حتی در گفت و گو با ما تاکید می کند که تاکنون هیچ موردی از تخلفات این چینی به سازمان مدارس غیردولتی نرسیده، اما ما که پیگیر این سوژه بودیم مدارس را با این جنس تخلفات را یافتیم. این نشان می دهد که همیشه احتمال فرار از زیر ذره بین نظارت ها وجود دارد.

برنامه متراکم درسی، ملاک برتری مدرسه نیست

سرنخ باز شدن مدارس در تابستان و برقرار شدن کلاس های درس در آنها را که بگیریم و پیش برویم، ریشه اش را جایی بجز خانواده ها نخواهیم یافت. بیشتر خانواده ها، مدرسه بی تعطیلی، برنامه های متراکم درسی، ساعت های طولانی آموزش و رگبار کلاس های فوق برنامه را ملاکی بر کیفیت بالای آموزش در مدارس می دانند که علت استقبال از کلاس های تابستانه نیز همین است. اما تقریباً هیچ کارشناسی یک برنامه شلوغ درسی را ضامن موفقیت نمی داند که حتی مسعود ثقفی، سخنگوی آموزش و پرورش شهر تهران نیز این هجوم اطلاعات را منجر به سوءهاضمه آموزشی می داند که در شباهتی عجیب با سوءهاضمه گوارشی، مطالب آموزشی را پس می زند و از ازدیادش تهوع می گیرد.

پس درس خواندن در تابستان و تلاش برای پیشتر از موعد آموختن کتاب های درسی سال آینده کاری کم فایده و حتی بی ثمر است. برنامه های فوق برنامه مدارس نیز مشمول این قاعده می شود؛ چون سال ها رسم شده برخی خانواده ها فوق برنامه بیشتر را مساوی با کیفی بودن مدرسه می دانند و برای چنین مدرسی و این چنین کلاس هایی هزینه های سنگینی نیز می پردازند.

اما آنچه مصوب آموزش و پرورش است، این است: در دوره ابتدایی در کنار 25 ساعت تدریس هفتگی، هشت ساعت فوق برنامه، در دوره متوسطه دوم، 30 ساعت تدریس دروس مصوب و کمتر از 12 ساعت فوق برنامه و برای متوسطه دوم 12 تا 16 ساعت فوق برنامه در کنار 36 ساعت تدریس.

طبق این زمان بندی استاندارد آموزشی، مدرسی که گاه تا غروب آفتاب یا ساعت های عصر، دانش آموزان را به اسم فوق برنامه در مدارس نگه می دارند، کاری غیراستاندارد انجام می دهند، درست مثل مدرسی که موضوع این گزارش شده اند و با هدف جلو انداختن دانش آموزان خود از بقیه هم سن و سال ها، کتاب های درسی سال آینده را در کلاس های اجباری تدریس می کنند.

ویژگی های یک مدرسه خوب

امیر زنده نام - مشاور تحصیلی

مدرسه خوب، مدرسه ای نیست که ساعات بیشتری از شبانه روز دانش آموزان را بگیرد و با برنامه های فشرده ذهن بچه ها را خسته کند. یک مدرسه خوب که به کیفیت آموزشی فکر می کند قبل از هر چیز یک برنامه و استراتژی مشخص دارد؛ یعنی مدرسه ای که قصد اثربخشی دارد و می داند باید به کدام سمت برود و با چه روشی به هدفش برسد.

یک مدرسه خوب باید بتواند دانش آموزانش را پیروز کند که این پیروزی لزوماً به معنی رساندن معدل همه دانش آموزان به عدد 20 نیست، بلکه ایجاد بستری است تا دانش آموزان با استعدادها و توانایی های متفاوت به آدم های موفقی تبدیل شوند.

در یک مدرسه خوب برای دانش آموزان ضعیف فرصت تلاش بیشتر و آموختن عمیق تر فراهم می شود و برای دانش آموزان قوی نیز مجالی برای تلاش ویژه تر. در چنین مدرسه ای مدیریت زمان بسیار مورد توجه است و چون هدفی مشخص در آن وجود دارد وقت دانش آموزان تلف نمی شود.

در یک مدرسه خوب و باکیفیت، فرآیند آموزشی و نقاط قوت و شکست دانش آموزان به صورت مستمر و دقیق ارزیابی می شود؛ چون این نیز یکی از لازمه های رسیدن به اهداف است.

در یک مدرسه خوب که برای موفقیت تلاش می کند، استرس وجود ندارد و اولیای مدرسه تولیدکننده فشار عصبی نیستند، در حالی که در بیشتر مدارس ما، نحوه برخورد معلمان در کلاس، تهدید دانش آموزان با نمره یا ترساندن آنها با اخراج اگر نمره مورد نظر مدرسه را کسب نکنند، دیده می شود که بشدت استرس زاست و اما ویژگی مهم یک مدرسه خوب این که فقط بر امور آموزشی متمرکز نمی شود و به پرورش نیز به اندازه آموزش بها می دهد؛ از جمله سلامت جسم دانش آموزان و پرورش قوه خلاقیت و حل مساله در آنها.

مریم خباز - جامعه